



میر عبدالواحد سادات

موانع ایران در راه ساختمان و ثبات افغانستان

آقای روحانی رئیس جمهور ایران در کنفرانس بین المللی «مقابله با گرد و غبار» بحساب «تخریب محیط زیست»، با ابراز سخنانی، فی الواقع از اهداف خصمانه دولت خود در قبال سرنوشت افغانستان پرده برداشت که بخاطر ارزیابی آنرا نقل مینماییم:

«...ما نمیتوانیم در برابر آنچه محیط زیست ما را تخریب میکند بی تفاوت باشیم، احداث سد های متعدد در افغانستان و بند های کجکی تا سلما و کمال خان و دیگر سد ها و بند ها در شمال و جنوب بر استان خراسان، سیستان و بلوچستان ما تاثیر گذار است».



دیده میشود که آقای روحانی با فرصت طلبی خاص انگشت افکار ما را فشار داده و باج خواهی میناید. این اظهارات غیر مسولانه بمثابه افتیدن طشت رسوایی «رژیم آخوندی» از بام و احوال «بی آبی»، مداخله آشکار در امور داخلی کشور ما پنداشته میشود که با «عرف بین المللی»، «اخلاق دیپلماتیک»، «حسن همجواری» و مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی مابینت کامل دارد.

میتوان آقای رییس جمهور ایران را مخاطب قرارداد که اینهمه گرد و غبار در دشت ها و ولایات (استانهای) مختلف ایران ناشی از چند بند محدود در افغانستان میباشد ؟ از قرار معلوم و چنانچه متخصصین ارجمند ایران افشا نموده اند ، موضوع به تغیر اقلیم و سو؛ مدیریت در ساختمان بند ها و تغیر مسیر دریا ، ارتباط داشته و اعلام دشت های ممنوعه بخاطر همین گرد و غبار به سالهای قبل بر میگردد.

به آقای روحانی که با تحکم و تهدید از « بی تفاوت نماندن » سخن میگوید ، باید خاطر نشان نمود که شما و اسلاف تان هیچگاهی در ایجاد و تداوم مصایب افغانستان بی تفاوت نبوده اید ، آگاهان استخباراتی و سپاه پاسداران شما پلانهای « تنش و تشنج زایی » را طراحی و ما با مظاهر عملی آن آشنا میباشیم و دستگیری پرندگان با سیستم جی پی اس ، موتر ها با مواد منفجره در حواشی بند سلما و شهادت ده تن سربازان محافظ آن بند در عید گذشته ، به درازا کشیدن کار ساختمان بند سلما تا چند دهه ، تشدید جنگها در مناطق جنوب غرب ، تجهیز و تمویل باند گروگهای طالب و ... را میتوان بحساب مشت نمونه خروار ذکر کرد.

دیدگاه شهونستی و اعمال سیطره جویانه رژیم های شاهی و آخوندی یکی از عوامل بیرونی ایجاد و تداوم تراژیدی خونبار افغانستان پنداشته میشود که با جنگ های نیابتی و در هفده سال اخیر افزون بر سایر انگیزه ها بحساب مقابله با اهداف امریکا ، دیپلوماسی دو پهلو را « ظریفانه » به قیمت بی ثبات سازی کشور به پیش برده اند . کسانیکه با دقت مسایل تاریخی را تعقیب مینمایند بخوبی آگاه اند که همچو فرصت طلبی ها شهنشاه ایران در دهه پنجاه بر موضوع هلمند و در شرایط خشک سالی در افغانستان از عوامل تسریع سقوط حکومت ها بوده و همچنان تشدید بازیهای پیچیده استخباراتی با گسترش فعالیت ساواک ، نخستین جمهوریت افغانستان را به بی ثباتی سوق داده است و رژیم آخوندی در حوادث بعدی و با ماسک اسلام اهداف مشابه را تداوم داده و از دین ، مذهب ، زبان و مشترکات فرهنگی بمثابه ابزار نفوذ ، تهاجم و آشوب سازی استفاده مینماید . (فاعتبرو یا اولابصار) .

از بوالعجبی های تاریخ اینکه در دهه چهل رژیم شاهی ایران بحساب نزدیکی زیاد با امریکا جلو ساختمان این بند ها توسط کمپنی های آنکشور را گرفته و در احوال جاری افغانان کفار دشنی آندو کشور را میپردازند .

قهر آقای روحانی از ساختن بند ها در داخل افغانستان این سوال را مطرح مینماید که جناب عالی معاهده نافذ هلمند را مرور نفرموده ، که ماده پنجم آن چنین مشعر است:

افغانستان با حفظ تمام حقوق بر باقی آب رود هلمند ، هر طوریکه خواسته باشد از آن استفاده « مینماید و آنرا به مصرف میرساند. ایران هیچگونه ادعایی بر آب هلمند بیشتر از مقدر که طبق این معاهده تثبیت شده است ، ندارد.»

از جانب دیگر آقای روحانی باید خود را « ملا » بسازد که ساختن بند ها عوارض طبیعی را محدود و در تنظیم و سوق آب بخاطر تحقق درست معاهده ، موثر میباشد . جناب رییس جمهور ایران که از ساختن بند های سلما ، کجکی و کمال خان برآشفته است ، باید سر در گریبان خود نماید و از خود بپرسد که:



به کدام حق و کدام معیار حقوقی در مسیر دریا هیرو رود به ترکمنستان و در خاک ایران « بند دوستی » را اعمار نموده اید؟ آیا ایران حقآبه تاریخی بر دریا هیرو رود دارد؟ آیا با افغانستان کدام قرارداد در زمینه دارید؟ آیا جانب افغانی را از موضوع مطلع ساخته اید؟ (پایه قوانین ایران و منجمله قانون مدنی آنکشور شریعت اسلام است و جناب روحانی آگاه است که بر طبق شریعت ، مالک بالا ، دست بالا دارد).

البته جهانیان و سازمان ملل متحد آگاه اند که در مسیر دریای هلمند و در خاک ایران چه تعداد نهر ها و بند ها ساخته شده و واترپمپ های زیاد فعال میباشد.

مثل آنکه دوستان ایرانی ما عادت نموده اند که هر چه را مناسب دانند ، بشول نام تاریخی « ایران » تصاحب فرمایند و البته که آخوندان کرام محق اند تا با محاسبه ملایی بیل همسایه و تبر خودی ، فتوا دهند.

بر طبق تحقیقات موسسات معتبر بین المللی افغانستان (75) ملیارد متر مکعب آب دارد که تنها (30) فیصد آنرا استفاده و متباقی تا (60) فیصد به همسایه های حریص و طماع ایران و پاکستان سر ازیر میگردد . بر حسب معاهده هلمند (1973 م) جانب ایران (26) متر مکعب فی ثانیه ، مستحق میباشد و اظهر من الشمس است که درین چهاردهه اخیر تا به سه چند را دریافت نموده است و اگر حد اقل قیمت آب را محاسبه نماییم ، دولت جناب روحانی تا چند صد ملیارد دالر مقروض افغانستان میباشد (دوستان ایرانی ما به سرعت میتوانند به این دعوی ما متوجه گردند ، زیرا خودشان به همسایه ها آب را میفروشند).

در همین لحظه سخنی ناب از حضرت امام صادق بذهنم تداعی گردید که ذکر آن به جناب روحانی بی مناسب نخواهد بود:

آیا شرم نکند فردی از شما ها که همسایه اش حق همجواری را نسبت به او رعایت کند و او « این حق را نشناسد».

از قرار معلوم وبه شهادت تاریخ جنجال آب با ایران بعد از انقراض امپراطوری درانی مطرح گردیده و در صد سال اخیر و از گلداسمید (1871 م) و تا مکماهون و در دوره بعدی و رژیم های شاهی هردو کشور ، به معاهده (1973 م) هلمند که توسط صدراعظمان فقید دو کشور (امیر عباس هویدا و موسی شفیق) در کابل امضا گردید ، رژیم حقوقی آن مشخص و تا کنون نافذ میباشد . (البته این معاهده از همان زمان و تا کنون در میان افغانان مخالفان خود رادارد) در احوال پر منجلاب کنونی معقولترین و عملی ترین روش که متضمن منافع دو کشور و رفتن بطرف ثبات میباشد ، وداع با سیطره جویی ها و تمکین به همین معاهده است ، که با قواعد بین المللی در مورد آب دریا ها و میثاق بین المللی (1997 م) سازمان ملل متحد سازگاری دارد و راه رفع و بررسی اشکالات در مواد پنجاهگانه آن مشخص گردیده است.

ایران با تجارب زیاد درین عرصه و در حالیکه در چهارصد سال اخیر (25) جنگ بخاطر آب با همسایه ها داشته است و هیدورپولوتیک مهمترین رکن سیاست خارجی دولت آنکشور را تشکیل میدهد ، باید در گذار به همگرایی منطقه یی و تبدیل چالش ها به فرصت ها ، آینده نگری را ملاک عمل قرار داده و بر تهدید های مشترک و اشتراک مساعی در برابر سونامی تخریب محیط زیست ، عطف توجه نماید.

چنانچه متخصصان ملل متحد گفته اند ، « صلح ، توسعه و حفاظت محیط زیست غیر قابل تجزیه است » و بازسازی ، انکشاف ، توسعه پایدار ، صلح و ثبات و ... بستگی به مدیریت دقیق آب دارد و ناکامی درین عرصه حیاتی ، هست و بود افغانستان را زیر سوال جدی قرار میدهد.

پاشنه آشیل ما درین مبارزه مرگ و زندگی ، فقدان اقتدار ملی ، دولت ملی و متکی به حاکمیت قانون و قوای مسلح نیرومند ملی میباشد ، مفاهیم هیدورپولوتیک ، پالیسی آب و دفاع از منافع ملی به دستگاه مفلوج دیپلوماسی حکومت دوسره ما ، بیگانه است.

اجانب در مجموع ومنجمله همسایه های حریص و طماع ایران و پاکستان از افتراق ملی سود برده و بالای تاجران دین ، دکانداران قوم ، تیکه داران جهاد و جلابان سیاسی تشنه قدرت سرمایه گذاری مینمایند ، افتضاح دادن بکس های دالر به رییس جمهور قبلی ما بحساب حق السکوت و مزد ماست مالی ها بوده است.

هر پنج حوزه آبی ما ، فرزندان آسمان و کوه های پر غرور افغانستان میباشد ، آب ما آبروی ما است ، موقعیت جیوپولوتیک هلمند و دریا های ما باید مبین اهمیت جیوپولوتیک کشور باشند و هست و بود وطن در گرو برخورد خردورزنه ، عقلگرایانه و مواظبت از آبها خواهد بود.

در احوال پر آشوب کنونی که افغانستان آماج جنایات علیه بشریت ، تداوم جنگ اعلام ناشده پاکستان ، دسایس ایران قرار دارد و سیاست های کجدار و مریز امریکا و انگلیس بر زخم های ناسور ما نمک پاشی مینماید ، باید وطندوستان به اتکا بر مصالح کشور و چنگ زدن به منافع ملی ، رسالت بلند کردن صدایی دفاع از حق حیات مردم به اعزا نشسته و حق گذار افغانستان به شاهراه انکشاف و ترقی ، صلح و ثبات را و اعمال حق حاکمیت ملی را ، عهده دار گردند.

با حرمت